



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۶/۲۴



س.ح. روغ

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟
گفتار بیست و چارم

از میان ویرانه های امپایر



جنگ در افغانستان ادامه دارد؛ روزانه حداقل ۵۰ نفر در افغانستان کشته می شوند؛ کشتی دوران، در بحر خون هموطن افغان شناور است؛ اما شناوران مهارت ها و ترندهای خود در کشتی رانی را یکی به دیگری سوز می دهند!! با اینهمه روزمرگی جنگ در هم شکسته است؛ لویه جرگه صلح فکر ما افغانان را بسوی صلح برگردانیده است؛ جهان هم می کوشد در مسخره بازی آدمکشی، که تحت نام جنگ در افغانستان براه انداخته شده، برای صلح یک شانس بدهد؛ ماشین جنگ افغانستان، یک اژدهای هزار پای شده است؛ ما باید این حقیقت را بپذیریم که برای شکستادن آن بخش این ماشین جنگ بسیار دیر کرده ایم، که در میان خود ما بکار انداخته شده است؛ تنها در کابل بیش از صد هزار سلاح غیرقانونی در چرخش است؛ در ارزگان طی عملیات دستگیری «جنگنده های غیرمسوول»، عده بسیاری از رجال امنیتی سابق و برحال هم بازداشت شدند؛ معاون سابق رییس جمهور بهخ راحتی ادعا می کند که در شمال نوری های ما هستند که می جنگند!

با اینهمه سرمنشی ملل متحد گفت که در حملات انتحاری تا ۷۰ درصد کاهش آمده است؛ و تأکید کرد که در این کاهش موفقیت های نیروهای امنیتی افغانستان نقش مهم داشته اند!

در باره طالبان خبرهای ضد و نقیض می رسد؛ هیأت طالبان که به چین رفته بود، تقاضا برای آتش بس را رد کرد؛ اما همین هیأت طالبان «اهل تسنن» از چین به ایران سفر کرد و گفتند که ما مذاکره می کنیم! طالبان چی مذاکراتی با ایران دارند؟ پرتو نادری، در انتقاد از اظهارات سفیر ایران در کابل، نوشت:

«... هنوز در تهران اهل تسنن را به نماز جماعت نمی گذارید و این جا برای ما سیمیان می برید! در دستگاه جهانی شما اهل تسنن جایگاهی ندارند، چه برسد به احزاب سیاسی... می دانید که جماعت بهایی ایران را به چه روز سیاه نشانده اید که حتا حق آموزش عالی و حق کار در دستگاه حکومت را ندارند... مرد حسابی یک بخش مهم بدبختی افغانستان در چند دهه اخیر مداخله نظام قرون وسطایی و آخوندی ایران است. من را به خیر تو امید نیست، شر مرسان!... باری شمس تبریز گفته بود: منافق بدتر است از کافر!»

انفجاراتی که در ایام عید سعید فطر صورت گرفتند به طالبان نسبت داده شدند؛ طالبان اعلان کردند که کار آنان نبوده است؛ پسانتر طالبان اعلان کردند که کسانی تلاش دارند کارهایی را که «دیگران» می کنند، بنام طالبان بنویسند! و چند روز پیش طالبان گفتند که طی جنگی که در نورگل ولایت گُور صورت گرفته بود، طالبان موفق شده بودند و رهبری داعش را محاصره کرده بودند؛ اما نیروهای محاصره شده داعش بوسیله طیاره های هیلی کوپتر، که شناخته شده اند، نجات داده شدند!!

خانم هیلاری کلینتون در خاطرات خود شجاعانه نوشت:

«توافق شده بود تا دولت اسلامی (داعش) در روز ۵ / ۷ / ۲۰۱۳ اعلام شود و ما منتظر اعلام تأسیس آن بودیم تا ما و اروپا هرچه سریع تر آن را به رسمیت بشناسیم!!»

طالبان اعلام کردند که امریکایی ها پذیرفته اند که همه عساکر شان را از افغانستان خارج می کنند؛ دکتر زلمی خلیزاد در جواب نوشت که امریکا در مذاکرات صلح با طالبان به دنبال توافق جامع صلح پایدار است، نه خروج از آن کشور. پرزیدنت ترامپ گفت چیزهای خوبی در افغانستان در حال وقوع است؛ و گفت امریکا چند هزار عسکر دیگر خود را از افغانستان خارج می کند؛ دکتر خلیزاد گفت یک «پیشنویس» برای موافقه آماده شده است؛ طالبان این سوال را پیش کشیده اند که مذاکرات دوحه چقدر قابل اعتماد هستند؟ و پیشنهاد کرده اند که چندین کشور، و ملل متحد و اتحادیه اروپا و کنفرانس اسلامی از توافقاتی ضمانت کنند، که انتظار می رود در میان امریکا و طالبان صورت بگیرد؛

یکی نوشت که: « ایالات متحده امریکا در صدد آن است تا طالبان را از یک گروه دهشت افکن به یک گروه مدنی بدل کند! مگر امریکایی ها چنین کاری کرده اند؟ دکتر دادفر سینتا هشدار داد که طالبان از موضع پیروزی سخن می گویند؛ و طی ملاقات ماسکو دوباره از «امارت اسلامی» سخن گفته اند!

زمزمه ختم جنگ افغانستان، از طرف دیگر، این سوال را پیش کشیده است که سرنوشت شبکه تولید و قاچاق مواد مخدره چی می شود؟ بی بی سی در این رابطه گزارش مفصلی نشر کرده و نوشته است که «در ۲۰۰۱ که نیروهای امریکایی در افغانستان پیاده شدند، اراضی زیر کشت خشکاش این کشور حدود ۷۴ هزار هکتار بود. حالا این رقم به ۳۲۸ هزار هکتار رسیده است، یعنی رشدی ۴۰۰ درصدی!!!»

امروز هیچکس دیگر نمی خواهد و نمی تواند پنهان کند که زیر نظارت کی این شبکه کار می کند؛ و صد تا دوصد میلیارد دلاری که سالانه از این راه عاید می شود، بکدام بانک ها، و بکدام جیب ها، می ریزد!!

زمزمه ختم جنگ افغانستان این سوال را هم پیش کشیده است که آسیای میانه، « که امریکا با ابتکار خود بیش از این در آنجا سلطه نخواهد داشت»، به کی می رسد؟

دستبرد به آسیای میانه از مهمترین ستون های ناگفته پیاده شدن عساکر امریکایی در افغانستان بود؛ امریکا با یک توجه غیر معمول با آسیای میانه مشغول شد؛ اتحادیه اروپا هم اخیراً یک ستراتیژی نو در باره آسیای میانه مطرح کرد؛ اما اینکه که امریکا شاید در نظر دارد از حضور مستقیم خود در افغانستان بکاهد، پس با نگرانی عمیق در جستجو است که با کدام وسایل تاثیر خود را بالای آسیای میانه حفظ کند؟

دو تن تحلیلگر امریکایی در گزارشی که برای وال ستریت ژورنال نوشته اند، سه پروژه را پیشنهاد کرده اند:

یکی هراس چین و روسیه از بنیادگرایی اسلامیستی که می تواند قلمرو آنان، و خاصتاً پروژه های راه ابریشم، را بی ثبات بسازد؛ روسیه و چین از همین نظر اوضاع و انکشافات افغانستان را بدقت دنبال می کنند؛ ناظران روسی، با ابراز نگرانی از رشد داعش در افغانستان، گفتند که «در افغانستان ۳۰ درصد فعالیت تروریستی در مقایسه با سال گذشته، افزایش یافته است و تعداد تروریست های گروه داعش در مقایسه با سال ۲۰۱۶ سه برابر افزایش یافته است» کمکهای چین برای تقویت تاسیسات امنیتی و نظامی افغانستان در شمالشرق را باید در همین چارچوب بررسی کرد؛ دوم تقویت گروه های بنیادگرایی اسلامیستی در خود آسیای میانه و چین و روسیه؛ اقدامات تاجیکستان بر علیه بنیادگراها؛ اقدامات چین برای زیرنظارت گرفتن بنیادگرایی اسلامیستی در اویغور، و اقدامات روسیه برای تقویت اداره روسی در چین، را باید در همین چارچوب ارزیابی کرد؛

سوم رقابت میان چین و روسیه بالای تسلط بر آسیای میانه؛ اما مجلس بیشکیک نشان داد که روسیه و چین برعکس نیروها و امکانات خود را هماهنگ ساخته اند تا یک نظام اصولاً نو مناسبات در میان خود، و با کشور های آسیای میانه مستقر بسازند؛

در این میان مهمترین چرخش در جای دیگر در حال وقوع است؛ بنظر می رسد که مثلث هند- روسیه- چین مستحکم تر می شود؛ خاصتاً جالب است که مذاکرات سه جانبه در بیشکیک به تقاضای مودی صدراعظم هند صورت گرفته است؛ این نشان می دهد که سوتفاهم ها در میان امریکا و هند عمیق تر از آن هستند، که اظهار می شوند؛ هند نه تنها بر کالا های وارداتی از امریکا تعرفه وضع کرد، بل رسماً شکایت کرد که از جانب امریکا در باره انکشافات در افغانستان در تاریکی گذاشته شده است؛ تحلیلگران چینیایی و روسی این ملاقات سه جانبه را یک انکشاف مهم در سطح بینالمللی خواندند که در دوران فروپاشی نظام سیاسی و اقتصادی بین المللی بحیث یک محور ثبات دهنده عمل می کند؛ دو کشور دیگر مهم در این حلقه، یعنی ایران و ترکیه، هم بسرعت از مهار امریکا بیرون می جهند! آخرین کشوری که در این سناریو بحرکت آمده است، پاکستان است؛ پاکستان همواره هنگامی برمیخیزد، که دیگران می نشینند!

مطبوعات پاکستانی نوشتند که پاکستان در سطح بینالمللی بشدت منزوی شده است؛ پاکستان در بحران بسیار عمیق و ساختاری سیاسی و اقتصادی و فرهنگی دست و پا می زند؛

خاصتاً وضع امنیتی پاکستان شدیداً نامستقر شده و به مخاطره افتاده است و جهنمی ترین سازمان استخبارات نظامی درحوزه ما، یعنی آی اس آی درتأمین امنیت زرادخانه اتمی پاکستان بیکاره برآمده است! عمران خان طی یک اقدام غیرمنتظره یک رییس نو برای آی اس آی گماشته است؛ برای مشکلات اقتصادی پاکستان کدام راه حل دیده نمی شود؛ پاکستان ازجانب سازمان نظارت بر پولشویی و حمایت پولی از سازمان های تروریستی در لیست سیاه شامل ساخته است؛ این نظر هند که اتکای اردوی پاکستان به تروریزم باید از نزدیک نفتیش شود، به اقدامات جدی انجامیده است؛ جناب پمپو گفت که پرزیدنت ترامپ مصمم است که یک روش سختگیرانه تر در مقابل پاکستان اتخاذ کند؛

بحران داخلی سیاسی پاکستان بسیار تشدید شده است؛ دولت و اردوی پاکستان متوجه شده اند که نهضت حفاظت از پشتون به مقابله مستقیم با حکومت مرکزی فراخوانده است؛ نیویارک تایمز گزارش داد که دولت مرکزی پاکستان یک فروگفتن بسیار خونین نهضت پشتون ها را آماده می سازد؛

مطبوعات این فکر را هم مطرح کرده اند که در نظر است برای پشتون ها یک دولت جداگانه تأسیس گردد؛ بدون تردید یک دولت نو تأسیس پشتون، و یک دولت نو تأسیس بلوچ، سر آغاز یک سلسله تغییر بسیار عمیق ساختاری در سرتاسر حوزه ما خواهد بود، که افغانستان را نیز متأثر می سازد.

پاکستان برای گریز از این وضع پیشنهاد مذاکرات با هند را کرده است؛ و نیز پاکستان در نظر گرفته است که با یک اقدام ارزان و بی ضرر از موضوع افغانستان استفاده کند، و باردگر توجه را بخود جلب کند؛ پاکستان تعدادی از کاندیدان انتخابات ریاست جمهوری افغانستان و برخی اشخاص همراه شان را برای یک ملاقات صلح به اسلام آباد دعوت کرد؛ آغا جان خلیلی که در لویه جرگه صلح در کابل شرکت نکرد، از همه پیش تر می دويد، که از خیرات کلداری پس نماند!

جناب قریشی در مغازه با آشنایان قدیمی متحسب بود! و در مصافحه با آشنایان نو متجسس بود!! در مجلسی که دایر شد چند تن کاندیدان مقام ریاست جمهوری افغانستان در پایان نشستانیده شده بودند، و یک وزیر خارجه برای ایشان بیانیه می داد که شما که می خواهید رییس جمهور شوید بدانید که رابطه که است، به چند قسم است؛ یکیش رابطه بین پاکستانی است! و بنابر همین نوع رابطه شما آن جا در پایان شیشته اید؛ و عالیجناب من این جا در بالا نشسته ام! و بخوانید و بدانید که پاکستان در افغانستان در جستجوی «عمق» ستراتژیک نیست، بلکه در جستجوی «سطح» ستراتژیک است!

نشریه ۸ صبح کابل نوشت:

«واقعیت این است که تاکنون پاکستان حتا یک قدم هم برای بهبود روابط با افغانستان برداشته است. برای دستگاه امنیتی پاکستان که پالیسی آن کشور را در قبال افغانستان طراحی و تطبیق می کند، ایدیولوژی «جهاد» هنوز عنصر اصلی است؛ در حال حاضر ارتش و نیروهای بنیادگرای پاکستان متحد استراتژیک طالبان اند؛ و به صورت خاموش علیه افغانستان «جهاد» اعلام کرده اند.

هیچ نشانه ای دال بر این نیست که «جهاد» از پالیسی پاکستان در قبال افغانستان حذف شده باشد. در طول این هژده سال پاکستان از آمدن صلح به افغانستان، جلوگیری کرده است؛ نشانه ای در دست نیست که بر اساس آن باور کنیم که پاکستان از این بازی دست کشیده است!»

روز بعد نوبت به سخنرانی رسید، که از افغانستان رفته بودند؛ یکی از سخنرانان گفت که چگونه می توان با یک کشوری صلح کرد که در باره قلمرو آن کشور ادعا داشته باشیم؟ پس من مخالف منازعه دیورند هستم! اما همین سخنران وقتی خودش «خراسان» و «بدخشان بزرگ» می گوید، ادعای ارضی را در برابر ایران و ترکمنستان و ازبکستان و تاجکستان مطرح می کند!!

با دعوت این عده، پاکستان کوشید به دو هدف برسد:

یکی یک وزن مقابل ایجاد کند در برابر ملاقات و مذاکرات قریب الوقوع غنی در اسلام آباد! دیگری مطالعه کند که چه امکانات نو برای مداخله در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان خریداری شده می تواند!

•
به تاریخ ۲۹ جون ۲۰۱۹ داکتر اشرف غنی به اسلام آباد برای مذاکرات بین الدولتین می رود؛ پاکستان خواهد دید که غنی یک کسی از شمار این «کاندیدان» نیست!

در همین روز ۲۹ جون ۲۰۱۹ جناب داکتر خلیزاد دور هفتم مذاکرات خود را در دوحه می‌گشاید.

• سامویل هانتینگتون نوشت که جهان قرن ۲۱ براساس خطوط گسل از هم جدا می‌شود؛ بنظر وی این خطوط گسل، حتماً خطوط دینی-تمدنی هستند؛

برخلاف گپ جناب هانتینگتون، بنظر می‌رسد آن چه در جهان در حال وقوع است، این است که آسیا، با در نظر داشت یک تنوع بسیار گسترده، و علیرغم این تنوع بسیار گسترده، در درون خود می‌جنبد؛ و به خود می‌پیوندد!

آخرین تلاش امپایر برای بستن جهان به دُمب یکجانبگی هم ناکام می‌شود! یک چندجانبگی اصولاً خدشه‌ناپذیر در پیشروی ما است، که مرکز ثقل مناسبات بین‌المللی را به آسیا منتقل می‌سازد!

سه ماه پیش در پیکن گردهمایی بین‌المللی تمدن‌های آسیایی برگزار گردید؛ صفر این گردهمایی، چون سفیری با این خبر آفاق را درنوردید که جهان از آسیا آغاز یافت؛ و به آسیا بر می‌گردد!

در یک چنین جهانی است که برای «همه» فرصت‌های نو ضمانت می‌شود! پنج قرن جدا سازی مصنوعی مردمان به پایان می‌رسد!

از میان ویرانه‌های «امپایر» یک جهان نو سر می‌کشد

*** **

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته‌ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می‌توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟ (گفتار ۲۴)

Rogh_h_۲۴_ba_aozaaye_watan_tshiguna_bengarem_۲۴.pdf